



محمد اعظم سيستاني

خصلت سودا گری طبابت میراث خصمانه‌ی دولتهای ارتجاعی گذشته است بر ضد خصلتهای ارتجاعی مبارزه اصولی و پیگیر صورت میگیرد

و همچنان بررسی احوال محبوسان و به آتش کشاندن خرمن ها دوسیه های متهمین درها بی هزاران ز نهدانی بلا کشیده از زمان ظا عسری شاه می و داود شاهی، الغای مناسبات خصمانه گری و سود خوری با صبورفرمان شماره ششم که منجر به رها بی یازده میلیون ندهقان معلوم از چنگال ظلمت گری داران سود خوران گردید با اعلام فرمان شماره هفتم کاخ بی بیاد مناسبات ظالمانه و بیبر خانه دوران پهلوی از هم فرو پاشید و در آن دوران طفل مصوم از فروختن قیل از رسیدن به سن شانزده سالگی نجات داده شدند. فرمان دوران ساز شماره هشتم در مورد اصلاحات دموکراتیک ارضی بجا طرح محو کامل مناسبات و ماقبل فیو دالی فیو دالی و ماقبل بیو دالی چون گرز تاریخ بر فرق فیو دالیزم در کشور چنان شدت کو پیدا شد که کاخ جبروت چندین هزار ساله آن از بنیاد و ازگون گشت.

ساز طبقه کارگر قسرا دارد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان با نگرش واقع بینانه و شناخت همه جانبه جا معمه ما موازی با روند نیرومند تکامل اجتماعی جوامع در کوهستان، افادات سود مند و ارتقا بی در جهت نجات خلق های محروم از چنگال پیر حمانه ظلم و ستم و بی عدالتی اجتماعی و مبارزه با مرض بیسوادی و فساد اجتماعی انجام داده که تأثیر آنرا در تمام گوشه ها و زوایای حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میتوان به آسانی دید و لمس کرد. توجه عاجل دولت به کانکور زدگان رژیم منفور داود، رسیدگی قوی دولت به حال کارمندان دولتی با متلاشی کردن مرزهای نا برابری اجتماعی از ناحیه ماکولات و وکویون کارگران و اجیران با مامورین، ارجحیت به فرهنگ و زبان و هنر خلق ها و ملیت های کشور از طریق نشرات رادیو و جراید

و اساسی انقلاب، هم به معنی اکیدا علمی و هم به معنی علمی سیاسی این مفهومی است. باید از عاقلان داشت که نیرو های پیشرو و مترقی اجتماع از طریق انقلاب راه تکامل سالم جامعه را بسوی جلو می کشانند و گسترش سریع جامعه را در جهت ترقی تأمین میکنند و به همین جهت مارکس، انقلاب را (لگو مور تیز تاریخ) نامیده است. خوش بختانه این مساله در کشور ما به صورت قاطع و بر گشت ناپذیر مطابق به خواست زمان و ضرورت تاریخ، به دست فرزندان مبارز و بیگانه جوی خلق به پیشانی تازی جریب دموکراتیک خلق افغانستان تحقق یافت و حاکمیت خلق بر سرنوشته خودش تأمین گردید و امروز حاکمیت دموکراتیک خلق افغانستان در مرکز انقلاب بی بر ضد امپریالیزم و ارتجاع است. بین المللی برای ساختن جامعه نوین و تا مین کاملاً رشد نیرو های بالنده و پیشرو منجر بانیوری دوران

« انقلاب ثور که بنا بر ضرورت تاریخی شورا پسند عینی و ذهنی جامعه افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان (پیش از اینک طبقه کارگر کشور) به حیث نتیجه منطقی مبارزات پانزده ساله آن به پیروزی رسید، تیز س چیدی را در برابر علمای جامعه شناسی علمی دوزیمه طرز و شکل به پیروزی و به قدرت رسیدن حزب طراز نوین طبقه کارگر منجر با ایند یالوژی دوران ساز طبقه کارگر قرار داد. »

روند بر توان تکامل جوامع انسانی، قانون مندی جایگزین شده و پدیده های نو را در بطن پدیده های کهنه و زوال یابنده، بنا به یک ضرورت تاریخی حکم میکند و هیچ چیز و هیچ قدرتی نمیتواند در برابر این فرمان قاطع تکامل، سد و قمع شود.

روز عفت لوربوما به نقطه چرخش عظیم تاریخی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه ما روزی بیست و سه است. درین روز است که نیرو های بالقوه

مؤسس معی الدین انیس ه میزان سال ۱۳۵۸ شمسی

رئیس مؤسسه و مدیر مسئول
 در محمد وفا کیش تلفون ۶۶۱۱۵
 معاون: بی بی هستانی

هژده پیروزی به خلقهایی که بخاطر آزادی می رزمند

امپریالیزم خون آشام و شریکای جرم وی که بنا به قانونیت یوسید کی مناسبات غیر عادلانه سیاسی اقتصادی جیتی بر تحمیل اراد مشغولیت خود خوار و طفیلی بر اکثریت قاطع خلقیای زحمتکش، روز تا روز خود را به بر نگاه نیستی نزد یک و نزدیک تر می یابند. عوداتنه برای حفظ کردن آخرین مواضع دست داشته، دست به اعمال جنون آمیزی میزنند که در حقیقت به سرنوشته و زندگی تمام بشریت ارتباط میسر میگرد.

آنها به طمع تحت سلطه در آوردن حاکمیت و سر نوشت خلقیای جهان، بیباکانه آتش جنگ را در هر جایکه از دست شسایانید، بدون در نظر داشت عوالم ناگوار آن که منجر به نابودی هزار ها و میلیون ها انسان بیگنا میگرد، مشتعل میسازند، تا در پناه دود و آتش آن، بتوانند به آسانی ثروت ها و هستی خلقیای زحمتکش را غارت و جیاول کنند.

امروز امپریالیزم غرض افروختن آتش جنگ، پیش از مداخلات مستقیم، شرکا ی جرمش را وارد ممر که می سازد تا با تخطی از برنسیبها و موازین پذیرفته شده بین المللی به حق و حاکمیت همجواران تجاوز نمود و با پیشتر مانه ترین و جسی به اشار با داران نشان به فروختن و خامت او ضاع در منطقه و جهان پیر دازند.

در پیاده کردن تو طنه های جنگ افروزی امپریالیزم مشتی از ستیگرا نودشمنان خلق ها در کشور های دارای رژیمهای یوسیده ارتجاعی میسوزند که بنا به سیاست امپریالیزم براراده خلقیای تحمیل شده انبوی برای حفظ موقعیت امریما نشان بر دوش خلقیای زحمتکش، ناگزیر اند به ساز امپریالیزم که هر چند پیشتر مانه باشد، سرگردن و زنده.

مسلم است که از نتایج سازش و وسیله قرار گرفتن حیات حاکم ستیگر و مترجم در رژیمهای استبدادی نه تنها خلقیای همجو ار متضرر میگردد، بلکه خلقیای زحمتکشی که یو غامبتیاد ارتجاع و امپریالیزم بر دوش شان گذاشته شده و همیات حاکم بر ترحم کشور های شان به ساز امپریالیزم میر قرضند، بیشتر از همه زیانمند میگردد.

از آن جهت است که علی الرغم بکار برد حیل و نیرنگ های امپریالیزم و سیاست حاکم این دسته کشور ها، خلقیای زحمتکشی ما بیو نهادهای عمیق انقلابی بیسی یکدیگر خویش ایجاد نموده، از نتایج بیکار پیروز مندا نه یکدیگر الهام میگیرند.

چنانکه گو ما ندان انقلاب بگبیر ثور حلیف الله امین منشی عمو می کمیته مرکز حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورا ی انقلابی و لومری وزیر ضمن بیانیه شان به بزرگان و نمایندگان تمام گمان خلقیای افوا م افروشی، صافی، توری، شیواری فومند، خودیانی و وکزی و مسید فر موده اند:

« بعد افغانستان تصحیح و همای حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اشترا کافوای مسلح قبر مان و بسا شپا مت افغانستان نو یسه یشتیبانی کارگرا ن زحمتکش طر دوران و دهقانان، انقلاب ثور به ثمر رسید که برای تمام کارگرا ن زحمتکش و دهقانان منطقه مزده بیی

هموار از خو شها را داد، مخصوصا برای تمام برادران زحمتکشی کشور های همای عمل مطلق بود، هژده پیروزی که از افغانستان برای آنها رسید، موج سرخس بود که از افغانستان برخاسته بیری سرخی که در افغانستان به اهتزاز آمد، در دل آلباسرخ نقش بست. »

لذا امواج سرخ و پیروزی که اکنون در نتیجه انقلاب کبیر و زنجیر شکین ثور، در دشت و دامن میبل غرور آفرین ما با بلا طیم انقلابی در جرکت است و ثور بی دو خشتی که از فراز کوهیا به های کتسو و میتاید، و روشکر راهنجا همه خلقیای گردیده است که میخو ا حتما به خا طسریبات کشور شان از سلطه پیر حمانه دشمنان برض مینو کا شپای استبداد، ارتجاع و استثمار را به قوت خویش در هم کو بند و بر خرابه های آن اسان زدنکی فار غاز هرگو ته ستم را بریزند.

پو هاند دکتور عبدالمو زاق زمیر

یک جاسوس انگلیس، یک فرنگی پرست و انگلیس مشرب در جنگ دوم افغان و انگلیس

خطرناک و اسرار آمیز در عصر امیر شیر علی بعدی قدرت پیدا میکند و شاه را تحت نفوذ خود می آورد که بعدا کارروایی های وی در جنگ دوم افغان و انگلیس سبب تباهی بسیار مردم می گردد.

امیر شیر علی با اینک شخص متجدد و نسبتا روشن فکر بود، ولی نظر به خصلت طبقاتی خود هر د عیاش، زود باور، ضعیف النفس و از حیث اداره و تدبیر آدمی متردد بود. تا تمام

سیاست های بین انگلیس و روسی تزاری، امیران و ویشا خان مطلق العنان و خوش باوری را می لغزاند که زمینه را برای اشغال دوتاجوز انگلیس ها آماده میسازند.

موهن لال که اسم دیگری (آغا حسن کشمیری) بود و در افغانستان بنام میرزاقلی کشمیری معروف بود، با اکثر سرداران سوغو زایی و معتمد زایی و فیو دالی صاحب نفوذ و روابطی داشت و مکاتیب خصوصی سرداران را به انگلیس ها می رسانید.

همین موهن لال که اداره چاسوس انگلیس را در افغانستان بدست داشت، یک عده اشخاص صمیم را بر طرف مصالح ملی و بیخه نفع انگلیس ها استعمال کرد.

میان غلام محمد هندی در عهد زمانشاه به تشکیل جمعیت شمشا و تحریک شان ها و ملک های مجلسی پرداخت. جنرال کریسم بخشی یکی از جنرال های صاحب نفوذ عصر امیر شیر علی خان بود که کارروایی های بهاد و غلام تقی شسته و فتح علی و عبدالعزیز مسلمانان هندی در دوره امیر شیر علی و در اردوی افغانستان این مملکت را در جنگ دوم افغان و انگلیس متضرر و ضلالت و خون بسیاری از مردم را ریختند. کتاب انوا ی معارک از کارروایی

خان را مرفوع میساخت، بلکه باشندگان نوای کارته پروان و خیر خانه میبندید که جاها نیز میبناستند در بدل پرداخت گزایه معینه از بس بدوم (قلعه فتح الله خان) استفاده نمود. خود را آیدند میوند و یاسینیا با میبند برسانند، بدون اینکه زحمت بیاده روی را تحمل کنند که همشهریان را مرفوع می ساخت، بلکه از لحاظ اقتصادی نیز کمکی بود که به ملی بس می رسید و بصرنی که ازنگاه دور سرویس به آید میوند به عیلمی آمد، تقریبا جنرال منسی گردید.

نامهای شما روزنامه انیس مطالعه دوتی انصاری و ات کابل

اما شاید نظر به معاذ یری که وجود داشته که بنده از آن واقف نیستم، تنها لیس سرویسیکه تقریبا تمام شهر کابل را با هم وصل می نمود یعنی سرویس لین قلعه فتح الله خان، فاصله آن کو تا خانه شده و ایستگاه آخری آن پارک زنگار تعیین گردید که این امر باعث مشکلات گسائی شده که تا آید میوند و یا سینیابامیر میروند و یا برعکس، در زمانیکه سرویس تا آید میوند خط سیر را ادامه داده و بعد از توقف کو تاجی در سینیابا میوند به خط انیس خویشتن به سوی قلعه فتح الله خان ادامه میداد، نه تنها مشکلات اهالی قلعه فتح الله

اما شاید نظر به معاذ یری که وجود داشته که بنده از آن واقف نیستم، تنها لیس سرویسیکه تقریبا تمام شهر کابل را با هم وصل می نمود یعنی سرویس لین قلعه فتح الله خان، فاصله آن کو تا خانه شده و ایستگاه آخری آن پارک زنگار تعیین گردید که این امر باعث مشکلات گسائی شده که تا آید میوند و یا سینیابامیر میروند و یا برعکس، در زمانیکه سرویس تا آید میوند خط سیر را ادامه داده و بعد از توقف کو تاجی در سینیابا میوند به خط انیس خویشتن به سوی قلعه فتح الله خان ادامه میداد، نه تنها مشکلات اهالی قلعه فتح الله

اما شاید نظر به معاذ یری که وجود داشته که بنده از آن واقف نیستم، تنها لیس سرویسیکه تقریبا تمام شهر کابل را با هم وصل می نمود یعنی سرویس لین قلعه فتح الله خان، فاصله آن کو تا خانه شده و ایستگاه آخری آن پارک زنگار تعیین گردید که این امر باعث مشکلات گسائی شده که تا آید میوند و یا سینیابامیر میروند و یا برعکس، در زمانیکه سرویس تا آید میوند خط سیر را ادامه داده و بعد از توقف کو تاجی در سینیابا میوند به خط انیس خویشتن به سوی قلعه فتح الله خان ادامه میداد، نه تنها مشکلات اهالی قلعه فتح الله

از قلعه فتح الله خان